

« مصحف فاطمه » چیست ؟

سؤال کننده : امینی

پاسخ :

مصحف فاطمه سلام الله علیها کتابی است که به املاء جبرئیل و خط امیر المؤمنین علیه السلام نوشته شده و در آن تمامی حوادث و اتفاقات آینده عالم تا روز قیامت ثبت شده و چیزی در باره حلال و حرام در آن وجود ندارد .

این مطلب از روایات فراوانی استفاده می شود که ما به دو روایت بسنده می کنیم که با تدبر در همین دو روایت ، به جواب تمام سؤالاتان خواهید رسید .

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ تَطَهَّرُ الزَّنَادِقَةُ فِي سَنَةِ ثَمَانَ وَعِشْرِينَ وَمِائَةٍ وَذَلِكَ أَنِّي نَظَرْتُ فِي مُصْحَفِ فَاطِمَةَ (عليها السلام) قَالَ قُلْتُ وَمَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا قَبِضَ نَبِيَّهُ (صلي الله عليه وآله وسلم) دَخَلَ عَلَيَّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) مِنْ وَفَاتِهِ مِنَ الْحُزْنِ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأَرْسَلَ اللَّهُ إِلَيْهَا مَلَكًا يُسَلِّي غَمَّهَا وَيُحَدِّثُهَا فَشَكَتُ ذَلِكَ إِلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقَالَ إِذَا أَحْسَسْتِ بِذَلِكَ وَ سَمِعْتِ الصَّوْتِ قُولِي لِي فَأَعْلَمْتَهُ بِذَلِكَ فَجَعَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَكْتُبُ كُلَّ مَا سَمِعَ حَتَّى أَثْبَتَ مِنْ ذَلِكَ مُصْحَفًا قَالَ ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَلَكِنْ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَكُونُ .

حمادبن عثمان می گوید: از امام صادق (عليه السلام) شنیدم فرمود : در سال 128 مخالفان مذهب و دعوت کنندگان به باطل اعلام وجود خواهند کرد. این موضوع را در مصحف فاطمه (سلام الله علیها) دیدم . پرسیدم : مصحف فاطمه چیست ؟ فرمود : با فوت رسول خدا (صلي الله عليه وآله وسلم) غم و اندوه فراوان فاطمه را فراگرفت که اندازه آن را خدا می داند . به همین جهت خداوند فرشته ای را نزد فاطمه فرستاد تا با هم سخن شدن با وی غم و اندوهش زدوده شود . فاطمه (سلام الله علیها) جریان را به علی (عليه السلام) گزارش کرد علی (عليه السلام) فرمود : هر وقت آمدنش را احساس نمودی و صدایش را شنیدی به من خبر بده . فاطمه آمدن فرشته را به علی (عليه السلام) خبر داد . علی (عليه السلام) آنچه را می شنید می نوشت تا در نهایت همانند کتابی کامل گردید .

سپس امام صادق (عليه السلام) فرمود : در این کتاب از حلال و حرام چیزی نیست ؛ بلکه آنچه در آن دیده می شود دانش و آگاهی از حوادث و اخبار آینده است .

الكافي ، ج 1 ، ص : 240 .

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ الْجَفْرِ ... قَالَ فَمُصْحَفُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) قَالَ فَسَكَتَ طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ إِنَّكُمْ لَتَبْحَثُونَ عَمَّا تُرِيدُونَ وَعَمَّا لَا تُرِيدُونَ إِنَّ فَاطِمَةَ مَكَتَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله وسلم) خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ يَوْمًا وَكَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَيَّ أَبِيهَا وَكَانَ جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) يَأْتِيهَا فَيُحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَيَّ أَبِيهَا وَيُطَيِّبُ نَفْسَهَا وَيُخْبِرُهَا عَنْ أَبِيهَا وَمَكَانِهِ وَيُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَكَانَ عَلَيُّ (عليه السلام) يَكْتُبُ ذَلِكَ فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ .

الكافي، ج 1، ص: 241 .

أبو عبیده می گوید : بعضی از شیعیان از امام صادق علیه السلام سؤالاتی کردند ، از جمله سؤال کردند : مصحف فاطمه چیست ؟ حضرت مدتی سکوت کرد و سپس فرمود : شما از آنچه می خواهید و نمی خواهید بحث می کنید (یعنی بعضی از پرسش ها به قصد فهمیدن نیست یا به درد نمی خورد) فاطمه بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله هفتاد و پنج روز در دنیا بود و از فراق پدر بسیار اندوهگین بود . جبرئیل علیه السلام محضرش می آمد و او را در مرگ پدر تسلیت می داد و خوشحالش می کرد و غم و اندوهش را تخفیف می داد و از احوال و مقام پدرش خبر می داد و سرگذشت اولادش را پس از او برایش می گفت و علی علیه السلام آن مطالب را می نوشت که مجموع آن نوشته ها مصحف فاطمه علیها السلام شد .

امکان گفتگوی ملائکه با غیر انبیاء :

اهل تسنن از دیرباز اشکال می کنند که چگونه ممکن است که ملائکه با غیر پیامبر صحبت کند ، آیا این مطلب با خاتمیت پیامبر در تعارض نیست ؟

در جواب می گوئیم : خود علمای اهل سنت از این شبهه جواب داده اند . آلوسی مفسر بزرگ اهل سنت بعد از نقل روایتی در همین باره می گوید :

والأخبار طافحة بروية الصحابة للملك وسماعهم كلامه ، وكفي دليلا لما نحن فيه قوله سبحانه : * (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا تَنْزَلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ) * (فصلت : 30) الآية فإن فيها نزول الملك علي غير الأنبياء في الدنيا وتكليمه إياه ولم يقل أحد من الناس : إن ذلك يستدعي النبوة وكون ذلك لأن النزول والتكليم قبيل الموت غير مفيد كما لا يخفي .

تفسیر الالوسی - الالوسی - ج 22 - ص 40 .

روایات بسیاری وارد شده که صحابه ملائکه را می دیدند و سخن آنان می شنیدند . برای اثبات آن ، این دلیل کافی است که خداوند کریم فرموده است : « بی تردید کسانی که گفتند : پروردگار ما خدا است سپس [در میدان عمل بر این حقیقت]

استقامت ورزیدند ، فرشتگان بر آنان نازل می شوند [و می گویند :] مترسید و اندوهگین نباشید شما را به بهشتی که وعده داده شده اید ، بشارت باد . « این آیه ثابت می کند که ملائکه بر غیر انبیاء در دنیا نازل می شوند و با آن ها سخن می گویند ، و کسی هم نگفته است که این سخن گفتن مستلزم نبوت است و از طرفی این گفتگو از قبیل مرگ است و فایده ای ندارد .

مصافحه با ملائکه :

روایات بسیاری در منابع اهل سنت وارد شده است که اگر انسان آنگونه که خداوند می خواهد در این دنیا زندگی کند ، واجبات را انجام داده و از محرّمات نیز پرهیز کند ، می تواند مستقیماً با ملائکه در ارتباط بوده و با آنان سخن بگوید .
مسلم نیشابوری ، نقل می کند :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنْ لَوْ تَدُومُونَ عَلَيَّ مَا تَكُونُونَ عِنْدِي وَفِي الذِّكْرِ لَصَافَحْتَكُمْ الْمَلَائِكَةُ

صحیح مسلم - مسلم النیشابوری - ج 8 - ص 95 .

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فرمود : قسم به خدایی که جانم در دست او است ، اگر شما همان حالتی را که اکنون دارید ، حفظ نمایید و بر آن استقامت ورزید ، ملائکه با شما دست خواهند داد .

البانی ، که وهابیت از او به عنوان «بخاری دوران» تعبیر می کنند و بن باز مفتی اعظم عربستان سعودی گفته بود که ایشان را باید امام الحدیث بنامیم ، این روایت را در صحیح سنن ابن ماجه ، ج 2 ، ص 415-416 و صحیح الجامع الصغیر ، ج 2 ، ص 931 و 1190 و سلسله الأحادیث الصحیحة ، ج 4 ، ص 606 صحیح دانسته است .
و باز در روایت دیگری مسلم نیشابوری می نویسد :

لَوْ كَانَتْ تَكُونُ قُلُوبِكُمْ كَمَا تَكُونُ عِنْدَ الذِّكْرِ لَصَافَحْتُمْ الْمَلَائِكَةَ حَتَّى تَسْلَمَ عَلَيْكُمْ فِي الطَّرِيقِ .

صحیح مسلم - مسلم النیشابوری - ج 8 - ص 95 .

اگر قلبتان را به همان حالی که در حال راز و نیاز با خداوند دارید ، حفظ کنید ، ملائکه با شما دست خواهند داد ؛ و حتی در راه ها به شما سلام خواهند کرد .

از این دو روایت استفاده می شود که اگر انسان تقوای الهی را حفظ کرده و دستورات الهی را انجام دهد ، می تواند با ملائکه در ارتباط باشد و با آن ها گفتگو کند . و فاطمه زهرا سلام الله علیها که قرآن در آیه تطهیر شهادت بر عصمت او داده و طبق نص صریح روایات صحیح بخاری و مسلم ، سیده زنان اهل بهشت است ، قطعاً دارای این مقام بوده است .

گفتگوی حضرت مریم با ملائکه :

قرآن کریم صراحت دارد که حضرت مریم سلام الله علیها با ملائکه صحبت می کرده ؛ در حالی که او نیز پیامبر نبوده است .

خداوند در سوره مریم آیات 16 تا 21 می فرماید :

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَتْ مِنْ اٰهْلِهَا مَكَانًا شَرْفِيًّا . فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا اِلَيْهَا رُوْحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا .
قَالَتْ اِنِّيْ اَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتُ تَقِيًّا . قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَسُوْلٌ رَّبِّكَ لِاَهْبَ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا . قَالَتْ اَنِّيْ يَكُوْنُ لِيْ غُلَامٌ وَّ لَمْ يَمَسَّسْنِيْ
بَشَرٌ وَّ لَمْ اَكُ بَغِيًّا . قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلِيٌّ هَيْنٌ وَّ لِنَجْعَلَهُ اٰيَةً لِلنَّاسِ وَّ رَحْمَةً مِّنَّا وَّ كَانَ اَمْرًا مَّقْضِيًّا .

و در این کتاب (آسمانی)، مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد، و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) قرار گرفت . و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد). در این هنگام، ما روح خود را بسوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد ! . او (سخت ترسید و) گفت: «من از شرّ تو، به خدای رحمان پناه می برم اگر پرهیزگاری! . گفت: «من فرستاده پروردگار توام (آمده ام) تا پسر پاکیزه ای به تو ببخشم!». گفت: «چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؟! در حالی که تا کنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده ای هم نبوده ام!». گفت: «مطلب همین است! پروردگارت فرموده: این کار بر من آسان است! (ما او را می آفرینیم، تا قدرت خویش را آشکار سازیم) و او را برای مردم نشانه ای قرار دهیم و رحمتی باشد از سوی ما! و این امری است پایان یافته (و جای گفتگو ندارد)!». وقتی حضرت مریم سلام الله علیها بتواند با ملائکه در ارتباط باشد ، فاطمه زهرا سلام الله علیها که سیده تمامی زنان اهل بهشت و از جمله مریم بنت عمران است ، می تواند با ملائکه در ارتباط باشد .

سلام ملائکه به عمران بن حصین :

از روایات اهل سنت استفاده می شود که ملائکه با برخی از صحابه سلام و عليك داشته ، با آن ها مصافحه کرده اند و آن ها نیز ملائکه را با چشمان خود دیده اند . مسلم نیشابوری در صحیحش به نقل از عمران بن حصین می نویسد :

وَقَدْ كَانَ يُسَلِّمُ عَلَيَّ حَتَّى اَكْتَوَيْتُ فَتَرَكْتُ ثُمَّ تَرَكْتُ الْكَيَّ فَعَادَ .

صحیح مسلم - مسلم النیشابوری - ج 4 - ص 48 .

فرشته بر من سلام می کرد تا این که آلوده به گناه غیبت و عدم کنترل زبان شدم و او را نمی دیدم پس از آن که دست از این گناه کشیدم دوباره تماس برقرار شد .

ابن حجر عسقلانی در ترجمه عمران بن حصین می نویسد :

عمران بن حصین ... و كانت الملائكة تصافحه ...

تهذیب التهذیب - ابن حجر - ج 8 - ص 112 .

عمران بن حصین کسی بود که ملائکه با او دست می دادند .

همچنین ذهبي در ترجمه وي مي نويسد :

عمران بن حصين ... وكان ممن يسلم عليه الملائكة .

تذكرة الحفاظ - الذهبي - ج 1 - ص 29 .

عمران بن حصين از كساني بود كه ملائكه بر او سلام مي كردند .

از اين احاديث استفاده مي شود كه جمعي از صحابه توانسته اند با ملائكه ارتباط برقرار کرده ، آن ها را دیده و ملائكه به آن ها سلام مي کرده اند . وقتي افرازي مثل عمران بن حصين كه قطعاً مقام آن ها از مقام امير المؤمنين و سيده زنان اهل بهشت عليهم السلام پايين تر است ، بتوانند كلام ملائكه را بشنوند و با آن ها ارتباط برقرار کنند ، چه انگيزه اي وجود دارد كه اهل سنت اصرار بر انكار آن در حق امير المؤمنين و صديقه طاهره دارند ؟ آيا انكار آن در حق امير المؤمنين و فاطمه زهرا عليهم السلام ، طعن آشكار به خاندان رسالت نيست ؟

سخن گفتن حذيفه با ملائكه :

روايات بسياري در كتاب هاي اهل سنت وجود دارد كه برخي از صحابه كلام ملائكه را شنیده و با آن ها صحبت کرده اند . احمد بن حنبل استاد بخاري و مسلم در مسندش مي نويسد :

عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ أَنَّهُ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ بَيْنَمَا أَنَا أَصَلِّي إِذْ سَمِعْتُ مُتَكَلِّمًا يَقُولُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَلَكَ الْمُلْكُ كُلُّهُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ إِلَيْكَ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ عَلَانِيَتُهُ وَسِرُّهُ فَأَهْلُ أَنْ تُحَمِّدَ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي جَمِيعَ مَا مَضَى مِنْ ذَنْبِي وَأَعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَارْزُقْنِي عَمَلًا زَكِيًّا تَرْضَاهُ بِه عَنِّي فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَلِكَ مَلَكٌ أَتَاكَ يُعَلِّمُكَ تَحْمِيدَ رَبِّكَ .

مسند احمد - الإمام احمد بن حنبل - ج 5 - ص 395 - 396 .

نقل شده است كه روزي حذيفه نزد نبي مكرم اسلام صلي الله عليه وآله وسلم آمد و عرض كرد : من در حال نماز بودم ، شنيدم كه گوینده اي مي گفت : اللهم لك الحمد پيامبر اسلام صلي الله عليه وآله وسلم فرمود : آن شخص ملكي بوده كه آمده به شما ياد دهد چگونه خداوند را حمد و سپاس بگويد .

سخن گفتن جبرئيل با ابي بن كعب :

همچنين ألسي مفسر معروف اهل سنت در تفسيرش مي نويسد :

وأخرج ابن أبي الدنيا في كتاب الذكر عن أنس قال : قال أبي بن كعب لأدخلن المسجد فأصليين ولأحمدن الله تعالي بمحامد لم يحمده بها أحد فلما صلي وجلس ليحمد الله تعالي ويثني عليه إذا هو بصوت عال من خلف يقول : اللهم لك الحمد كله ولك الملك

کله و بیدک الخیر کله و ایلک یرجع الأمر کله علانیته و سره لک الحمد إنک علی کل شیء قذیر اغفر لی ما مضی من ذنوبی واعصمینی فیما بقی من عمری وارزقنی أعمالاً زاکیه ترضی بها عنی وتب علی فأتی رسول الله صلی الله علیه وسلم فقص علیه فقال : ذاک جبریل علیه السلام .

تفسیر الألوسی - الألوسی - ج 22 - ص 40 .

عمر بن خطاب صدای جبرئیل را می شنید !

از همه این ها گذشته بسیاری از علمای اهل سنت یکی از فضائل عمر بن الخطاب را شنیدن اذان از جبرئیل علیه السلام ذکر و آن را با آب و تاب فراوان نقل کرده اند . حارث بن اَبی اسامه در مسندش می نویسد :

أول من أذن بالصلاة جبریل فی سماء الدنيا فسمعه عمر وبلال فسبق عمر بلالا فأخبر النبي صلی الله علیه وسلم ثم جاء بلال فقال له سبقك بها عمر .

بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث - الحارث بن أبي أسامة - ص 51 و فتح الباري - ابن حجر - ج 2 - ص 63 و عمدة القاري - العيني - ج 5 - ص 107 و تنوير الحلك - جلال الدين السيوطي - ص 23 و السيرة الحلبية - الحلبي - ج 2 - ص 302 و ...

نخستین کسی که در آسمان دنیا اذان گفت ، جبرئیل بود و عمر بن الخطاب و بلال آن را شنیدند !! عمر پیش دستی کرد و زودتر به پیامبر خبر داد ، بعد از او بلال آمد ، پیامبر فرمود : عمر زودتر از شما خبر داده است .

جالب این است که ابن حجر عسقلانی و عینی بعد از نقل حدیث هیچ حاشیه ای نمی زنند . سرش این است که وقتی بحث فضائل عمر بن الخطاب باشد ، آن ها چشم و گوش بسته تمام آن چه را که نقل می شود می پذیرند ؛ اما اگر کسی عین همان را برای امیر المؤمنین و یا صدیقه طاهره علیهما السلام نقل کند ، فوراً او را متهم به کفر و غلو می کنند ، روایات او را نمی پذیرند و ...

اگر عمر بن الخطاب می توانست صدای جبرئیل را بشنود ، چه استبعادی دارد که فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز آن را شنیده باشند ؟ .

عمر بن خطاب ، با ملائکه گفتگو می کرد :

محمد بن اسماعیل بخاری در صحیحش می نویسد :

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقَدْ كَانَ فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ يُكَلِّمُونَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا أَنْبِيَاءَ فَإِنْ يَكُنْ مِنْ أُمَّتِي مِنْهُمْ أَحَدٌ فَعَمَّرَ .

صحیح البخاری - البخاری - ج 4 - ص 200 .

أبوهريره گوید که پیامبر اسلام صلي الله عليه وآله وسلم فرمود : به درستي که پیش از شما در میان بني اسرائیل کسانی بودند که با ملائکه سخن می گفتند ؛ با این که پیامبر نبودند ، اگر در امت من چنین کسی باشد ، آن شخص عمر بن الخطاب است .

قسطلاني ، عالم معروف اهل سنت در شرح این روایت می نویسد :

ليس قوله " فإن يكن " للترديد بل للتأكيد كقولك : إن يكن لي صديق فلان . إذ المراد اختصاصه بكمال الصداقة لا نفي الأصدقاء . وإذا ثبت أن هذا وجد في غير الأمة المفضولة فوجوده في هذه الأمة الفاضلة أحري .

إرشاد الساري شرح صحيح البخاري ، ج 6 ، ص 99 .

این که پیامبر اسلام فرمود : " فإن يكن = اگر باشد " برای این نیست که بگوید عمر با ملائکه صحبت نمی کرده ؛ بلکه تأکید می کند که او حتماً این چنین بوده است . مثل این که شخصی بگوید : اگر من دوستی داشتم ، فلانی بود که در این صورت مراد وی این است که این شخص بهترین دوست من است نه این که من دوستی ندارم .

و نیز وقتی ثابت شود که در امت های گذشته چنین چیزی دیده شده ، در امت اسلامی که از امت های دیگر برتر است ، به طریق اولی یافت خواهد شد .

از این گذشته ، برخی از علمای اهل سنت تصریح کرده اند که عمر با ملائکه گفتگو می کرد . ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق و متقی هندی در کنز العمال می نویسند :

قال الشعبي إن لكل أمة محدثاً وإن محدث هذه الأمة عمر بن الخطاب .

تاریخ مدینه دمشق - ابن عساکر - ج 44 - ص 95 و کنز العمال - المتقی الهندی - ج 12 - ص 600 .

شعبي گفته است که هر امتی محدث (کسی که با ملائکه صحبت می کند) داشته است و محدث این امت عمر بن الخطاب است . وقتی عمر بن الخطاب که تا سال هشتم بعثت هنوز مسلمان نشده بود و در صف مشرکین قرار داشت و در برابر اسلام موضع می گرفت ؛ تا جایی که بسیاری از مشرکین از ترس او نمی توانستند اسلام بیاورند ، بتواند با ملائکه هم سخن شود ، چرا امیر المؤمنین علي بن أبي طالب و فاطمه زهرا سلام الله علیهما ، که حتی لحظه ای به خدا شریک نوزیده اند ، نتوانند با ملائکه این رابطه را داشته باشند ؟

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)

